

## مولانا امیر الدین مہر

ترجمہ

دکتر سید حسن عباس (ہندوستان)



بود۔ این روحانی عرب، بہ مدت سه سال، بہ «راجای» مزبور تعلیمات اسلامی را آموخته بود۔ هر چند «راجای» مذکور اسلام را پذیرفته بود، اما بنابر مصالح مملکتی، آن را نتوانست علنی کند۔ البتہ بہ خدمت استاد خود زرو جواہر بسیاری تقدیم کرده بود۔ این ترجمہ قرآن، از دست روزگار مصون نمانده و از بین رفته است<sup>۱</sup>۔

پس از آن، نخستین ترجمہ فارسی قرآن مجید، در شبہ قارہ نیز در سند بہ قلم

منطقہ سند را در شبہ قارہ بہ عنوان «باب الاسلام» شناخته اند۔ در شبہ قارہ، خورشید اسلام، اولین بار بر همین منطقہ تابیدہ و سپس نور اسلام، بہ مناطق دیگر گسترش یافتہ است۔ محققان معتقدند: سند در زمینہ ترجمہ قرآن تقدم دارد: نخستین ترجمہ قرآن مجید در جهان، کہ بہ زبان سندی صورت گرفته و طبق تحقیقات محققان در ۲۷۰ هـ۔ یک روحانی عرب بہ نام عبداللہ، برای مہر و گ بن رائگ، را جای جی سکمیر، انجام دادہ

جهان گشود. در ابتدا اسم وی، لطف الله گذارده شده و سپس، به نوح تبدیل گردیده است. در هفت سالگی وی را به مکتب فرستاده اند. در مکتب، یکی از استادان وی، مخدوم شاه دلو معروف به عربی دیانه (م ۹۸۰هـ) بوده است.

مخدوم نوح، توانست با جودت طبع، ذهانت و نکات خود، در مدت کوتاهی، بیست و پنج جزو از قرآن مجید را حفظ کند و پس از آن، به تحصیل فقه بپردازد. مخدوم نوح، پیرو طریقت سهروردیه بوده و برای ترویج این سلسله، در منطقه سند بسیار کوشیده است. مخدوم نوح، به روز پنجشنبه به وقت بامداد به تاریخ ۲۷ ذی قعدة ۹۹۸هـ. درگذشت و در هالاکندی (هالای قدیم) مدفون شد. پس از چند سال، به علت طغیان رود سند جسد، او را به قریه اسلام آباد (هالای جدید) منتقل کردند و مرقدش هنوز در آن جا مرجع خلائق است.

اولین مترجم قرآن به زبان فارسی، حضرت سلمان فارسی (م ۲۵هـ) بود. چنانچه علامه سرخسی در تألیف مشهور خود، مبسوط می نویسد:

«روی ان الفرس کتبوا الی سلمان ان یکتب لهم الفاتحة بالفارسیة و كانوا یقرون ذلك فی الصلوة حتی

مخدوم لطف الله بن مخدوم نعمت الله معروف به مخدوم نوح (۹۱۱ تا ۹۹۸هـ) ساکن هالا (از توابع شهر حیدرآباد) انجام شده و از دستخوش روزگار محفوظ مانده و خوشبختانه اخیراً به چاپ هم رسیده است.

پیش از این ترجمه، در میان علما و دانشمندان مشهور بوده که اولین ترجمه کامل (فارسی) در این سرزمین، ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی (۱۷۰۳-۱۷۶۲م) است. اما اکنون، پس از طبع و انتشار ترجمه مخدوم نوح، این حقیقت به اثبات رسیده که در شبه قاره، در حدود دویست سال پیش از ترجمه شاه ولی الله دهلوی، نخستین ترجمه قرآن به زبان فارسی در منطقه سند صورت گرفته است.

### شرح حال مترجم

سلسله نسب مخدوم نوح، به سی و یک واسطه، به حضرت ابوبکر می رسد<sup>۱</sup>. از اجداد او، شیخ فخرالدین صغیر، به قصد سیر و سیاحت به منطقه هالاکندی (شهر هالای فعلی حیدرآباد) وارد شده و همان جا سکنی گزیده است.

مخدوم نوح، به روز پنجشنبه، ۲۷ رمضان المبارک ۹۱۱هـ / ۱۵۰۰م. دیده به

می کرد و به پرسش‌های آنان پاسخ می گفت. یک آیه را به چند صورت معانی و تفسیر می کرد. در این باره صاحب سراج العارفین می نویسد:

«حضرت مخدوم، بعضی وقتها صدها معانی و اسرار یک آیه را بیان می کرد. چنانچه یکبار او در مجلس خود [در تفسیر] آیه کریمه: **وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ**، سیصد و شصت نکته بیان کرد.»<sup>۲</sup>

### ویژگیهای ترجمه فارسی قرآن

این ترجمه، دارای ویژگیهای فراوان است از جمله:

۱. در زمانی که این ترجمه صورت گرفت، یعنی در اواسط قرن دهم هجری، در شبه قاره هیچ ترجمه‌ای از قرآن مجید وجود نداشت و نه صاحبان علم عملاً حاضر به چنین کار بودند. با وجودی که در این دوران زبان فارسی در این دیار، زبان رسمی، اداری و زبان علمی بود و رونق به سزایی داشت؛ اما هیچ کس برای ترجمه قرآن تن نداد. خوشبختانه مخدوم نوح، به این کار کمر همت بست و ترجمه فارسی قرآن را به نحو احسن انجام داد. ترجمه شاه ولی الله محدث دهلوی، پس از دویست سال، به منصفه ظهور رسید. شاه

لانت السنتم للعربيه.»<sup>۲</sup>

همین موضوع را صاحب روح المعانی، به شرح و بسط پرداخته است:

«وفی النهایته والداریته ان اهل فارس کتبوا الی سلمان الفارسی ان یکتب لهم الفاتحتہ بالفارسیة فکتب.»

اما این ترجمه، از دستخوش روزگار مصون نمانده و از بین رفته است. البته نشان آغاز ترجمه قرآن به زبان فارسی را بر جا گذاشت و برای صاحبان علم، آینده راه را باز کرد و آنان با استفاده از آن روش، تعلیم قرآن را ترویج کردند و ترجمه مخدوم نوح نیز یکی از آنهاست. این ترجمه، اولین ترجمه کامل در شبه قاره محسوب می شود.

درباره شناخت شیخ نوح از قرآن، یکی از معاصرانش، سید عبدالقادر تتوی، می نویسد:

«به فضل سبحانی باطنش آن قدر نورانی و روشن بود که مشکلات آیات قرآنی و کلام الله مجید چنان بیان می کرد که اکابر علما و مفسرین کرام نمی توانستند بیان کنند... و همواره خلق را به راه خدا نشان می داد و وعظ و اندرز می آموخت.»<sup>۲</sup>

همچنین او، بر حسب اطلاعات و سطح و معیارهای علمی افراد، تفسیر بیان

### اختیار هذا الزجاج.<sup>۵</sup>

در تفسیر الماوردی آمده است:

«ان حروف مقطعتہ من اسماء و افعال فالالف من انا والام من اللہ والمیم من اعلم فكان معنی ذلك: انا اللہ اعلم و هذا قول ابن مسعود و سعید بن جبیر و نحوه عن ابن عباس ایضا.»<sup>۶</sup>

در الدار المنثور و در تفسیر طبری نیز شبیه همین اقوال آمده است.<sup>۷</sup>

۳. مترجم بیشتر نکات تفسیری و تشریحی را بین قوسین آورده است، تا ابهامی در مفهوم وجود نداشته باشد. در ترجمه سورة الفاتحه می نویسد:

«نه راه آنها که خشم گرفته است بر ایشان (یعنی یهودان) و نه راه گمراهان (یعنی ترسایان)»

در ترجمه کلمه «ان یوصل» (سورة بقره / ۲۷) می نویسد:

«به آن که پیوندند (از ایمان به محمد و سایر پیغمبران)»

ترجمه نخستین آیه سورة القمر:

«نزدیک شد قیامت و شکافته شده ماه (به دو نیم، به اشاره انگشت مبارک سید الانبیاء)»

ترجمه سومین آیه از سورة تبت یدا:

«او و زن او (ام جمیل خواهر ابی سفیان) آن (بدبخت) گشونده میزم

ولی اللہ کار ترجمه را در ۱۱۵۱ هـ آغاز کرد و در ۱۱۵۲ هـ به پایان رساند و این ترجمه در ۱۱۵۶ هـ به طبع رسیده است و به دست همگان قرار گرفته است.

۲. در این ترجمه، اسرار و رموز حروف مقطعات و متشابهات، به طور اختصار بیان شده است از باب نمونه:

ترجمه الم (سورة البقره): «من خدائی که می دانم».

ترجمه الم (آل عمران): «منم خدای سزاوار پرستش که می دانم».

ترجمه المص (اعراف): «منم خدای می دانم و هویدا می کنم».

همچنین او، بیشتر مفهوم مقطعات را بیان کرده است. رمز الر: «من خدائی که می بینم».

روش مخدوم نوح درباره حروف مقطعات، طبق راه و روش مفسران قدیم است که معانی حروف مقطعات را به همین صورت بیان کرده اند. در تفسیر قرطبی آمده است:

ابوالضحی به حضرت ابن عباس روایت کرده که او:

«الم انا اللہ اعلم، الرانا اللہ اری،

المص انا اللہ افضل فالالف تؤدی

عن معنی انا والام تؤدی عن اسلم

اللہ و المیم تؤدی عن معنی اعلم و

«ما این ترجمه را به برخی از علما و فضلاى ايران نشان داديم، آنان گفتند كه در قرن دهم در ايران همين زبان (فارسی) رایج بود.»<sup>۹</sup>

۵. در بیشتر جاها، ترجمه «بسم الله الرحمن الرحيم» با در نظر داشتن سیاق و سباق و حروف جار، مختلف آمده است. این ابتکار نیز در دیگر ترجمه های فارسی دیده نمی شود.

ترجمه «بسم الله» سورة الفاتحة:

«ابتدا می کنم بنام خدای سزای پرستش، روز دهنده، رحمت کننده»

ترجمه «بسم الله» سورة البقره: «بنام خدای رحمت کننده عام در دنیا بروزی و رحمت کننده خاص در عقبی به مغفرت و فیروزی.»

ترجمه «بسم الله» سورة آل عمران:

«بنام خدای روزی دهنده رحمت کننده.»  
ترجمه «بسم الله» سورة اسرا: «توسل می کنم بنام خدای روزی دهنده رحمت کننده.»

ترجمه بسم الله سورة احزاب: «بنام واجب التعظیم والاحترام خدای رحیم بر عوام و رحیم بر خواص.»

ترجمه «بسم الله» سورة حشر: «بنام خدای رحمان دنیا و رحیم آخرت.»

ترجمه «بسم الله» سورة کوثر: «بنام

خار(و اندازنده آن بر راه سید ابرار یا آن مفسده ضمام علیها و علی زوجها الطرد و اللعنه)»

مترجم، در تمامی ترجمه همین روش را اختیار کرده است و جای جای، نکات تفسیری و توضیحی و تشریحی را در بین قوسین، بیان کرده است. او، تعلیقات را در ضمن ترجمه آورده است. شاه ولی الله نیز تعلیقات فتح الرحمان را در ابتدا، در ضمن ترجمه آورده بود، اما در موقع طبع و انتشار، در پاورقی آورده شد. غلام مصطفی قاسمی، مصحح ترجمه مخدوم نوح نیز، تعلیقات را به خاطر طولانی بودن آنها در پاورقی آورده است، اما بعضیها را در جای خود باقی گذاشته، تا از خواهش و روش و منشای مترجم روگردانی نشود.<sup>۸</sup>

مثال از تعلیقات از باب نمونه:

در تشریح و ترجمه والفجر: «بحق صبح، یا نماز صبح، یا صبح اول محرم یا ذی الحجه.»

مفسرین دیگر نیز تعلیقات را با ترجمه آورده اند، از آن جمله مولانا اشرف علی تهانوی در تفسیر خود: «بیان القرآن» همین روش، را اختیار کرده است.

۴. زبان ترجمه بسیار ساده، سهل و آسان است. مولانا غلام مصطفی قاسمی، مصحح ترجمه مخدوم نوح، گفته است:

پانزدهمین قرن هجری به سعی و کوشش علامه ابوسعید غلام مصطفی قاسمی انتشار یافته است.

خدای واجب الوجود، فیاض رحمت وجود، خداوند رحمت خاص و عام.»  
از ویژگیهای این ترجمه، روانی و سادگی آن است. در حالی که بعضیها از ترجمه لفظی گام جلو ننهاده اند. از این روی، این ترجمه را می توان ترجمان قرآن مجید دانست. در ترجمه روانی، سلاست، زیبایی، فصاحت و بلاغت موجود است.

### نسخه ترجمه:

۱. قدوسی، اعجاز الحق، «تاریخ سند»، ج ۱/ ۲۵۸، اردو سائنس بورڈ، کراچی، ۱۹۸۶ م.  
۲. قاسمی، علامه غلام مصطفی، «قرآن مجید»، مقدمه ترجمه فارسی/ ۱۴، سندی ادبی بورڈ، ۱۴۰۱ هـ.

۳. تتوی، عبدالقادر، «حدیقة الاولیا»، ۱۲۱، سندی ادبی بورڈ، حیدرآباد، ۱۹۶۷ م.

۴. قاسمی، علامه غلام مصطفی، همان/ ۱۳.

۵. القرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد الانصاری، «الجامع الاحکام القرآن»، ج ۱/ ۸۸، دارالکتاب العربی للطباعة والنشر القاہرہ، ۱۹۶۷ م.

۶. الماوردی، ابو الحسن علی بن حبیب، «الفکت والعیون»، ج ۱/ ۶۱، وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیة، الکویت، ۱۹۹۲ م.

۷. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن الامام، «الدار المنثور»، ج ۱/ ۵۶-۵۷، والطبری، ابو جعفر محمد بن جریر، «جامع البیان فی تاویل... القرآن»، ج ۱/ ۱۸، مصر، ۱۹۶۸ م.

۸. قاسمی، علامه غلام مصطفی، همان/ ۵.

۹. ماهنامه فکر و شعور لاهور، مصاحبه مولانا غلام مصطفی قاسمی.

این ترجمه از نسخه مخدوم نوح نقل شده است. و کاتب آن فقیر بهاؤالدین گودریه است که یکی از خلفای معروف مخدوم نوح به شمار می آید. فقیر گودریه، این نسخه را پس از گذشت سیزده سال از وفات مخدوم، از نسخه او نقل کرده است. متن با نسخ با مرکب مشککی و ترجمه به خط نستعلیق با مرکب قرمز.

تاریخ کتابت: ۲۷ شعبان ۱۰۱۱ هـ آغاز شده و به روز پنجشنبه ۱۷ صفر به وقت ظهر در ۱۰۱۳ هـ به پایان رسیده است.

### چاپ:

این ترجمه، از طرف سندی ادبی بورڈ، جام شورو (سند) به مناسبت به استقبال